

ارزیابی تحلیلی و تجربی تأثیر تأمین مالی خرد بر درآمد و مصرف خانوار

عبدالرسول قاسمی

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی ghasemieco@gmail.com

محمد ستاریفر

استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

زینب مرتضوی فر*

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران

zmf1362@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۲۸

چکیده

مالیه‌ی خرد، به معنای بانکی برای فقرا، پدیده‌ای جهانی است که در دهه‌ی ۱۹۸۰ به‌عنوان راه‌کاری جهت مقابله با فقر مطرح شد. قبل از آن، به علت وجود این عقیده در جوامع که فقرا توان بازپرداخت ندارند، به وام و اعتبار دسترسی چندانی نداشتند، اما جنبش مالیه‌ی خرد، با نوآوری‌های مالی خود توانست هزینه و ریسک وام دهی به فقرا را کاهش داده و به عنوان ابزاری اثر بخش جهت کاهش فقر معرفی شود. امروزه مالیه‌ی خرد از سوی کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، در ایران نیز نهادهایی به ارائه‌ی خدمات مالی خرد می‌پردازند.

در این تحقیق تلاش شده است تا اثر مالیه‌ی خرد بر درآمد و مصرف خانوار مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور خانوارهای تحت پوشش صندوق خودکفایی کمیته‌ی امداد در استان تهران جهت آزمون این مسأله برگزیده شده و مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در این آزمون، درآمد و مصرف به عنوان شاخص‌هایی از رفاه و روش رگرسیونی حداقل مربعات معمولی، جهت بررسی اثر متغیرهایی چون مالیه‌ی خرد و ویژگی‌های خانوار بر درآمد و مصرف خانوارها، مورد استفاده قرار گرفته است.

نتایج نشان می‌دهد که تمامی خانوارهای بهره‌برنده از خدمات مالی این صندوق، درآمدشان نسبت به قبل افزایش یافته است. درآمد و مصرف این خانوارها نسبت به خانوارهایی که از خدمات این صندوق بهره‌برنده‌اند، بیش‌تر است.

طبقه‌بندی JEL: D63.H81, I32

کلید واژه: مالیه‌ی خرد، اعتبارات خرد، درآمد خانوار، مصرف خانوار

۱- مقدمه

مالیه‌ی خرد که کوششی در جهت یاری رساندن به فقرا و بهبود بخشیدن معیشت اقشار کم درآمد از طریق ارائه‌ی خدمات مالی خرد و محدود و با رویکردی ارتقاء دهنده و خوداتکا (به‌جای رویکرد حمایتی) تعریف می‌شود، پدیده‌ای نوظهور است که در نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰، از میان تعارض‌های استراتژی‌های قبلی توسعه‌ی مالی پدیدار شد. در طول دهه‌ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، استراتژی‌های متداول توسعه بر پایه‌ی مدل رشد اقتصادی قرار داشت و صنعتی شدن و سرمایه‌گذاری در مقیاس وسیع را موتور رشد می‌دانست. پس از گذشت چندین سال از اجرای این سیاست‌ها مشخص شد که استراتژی رشد در ایجاد توسعه و کاهش فقر نامؤفق بوده و شکست خورده است (بادرو^۱، ۱۹۹۸، صفحه‌ی ۴-۳).

رشد فقر منجر به تغییرات بزرگی در استراتژی توسعه در آغاز دهه‌ی ۱۹۷۰ شد و رویکردی جدید با تأکید بر کاهش فقر و توسعه‌ی روستایی آغاز به کار کرد. این دوره شاهد موجی از برنامه‌های اعتباری یارانه‌ای دولتی به بخش‌های روستایی بود، اما برنامه‌های اعتبار روستایی نیز با شکست روبرو شد. شکست طرح‌های حمایتی و یارانه‌ای، دولت‌ها را به سمت به‌کارگیری استراتژی‌های غیریارانه‌ای و بازاری سوق داد. دیدگاه غالب در آن زمان، تدارک اعتبارات به وسیله‌ی بخش خصوصی و براساس نرخ‌های بازار بود. در این شرایط ایده‌ی مالیه خرد به عنوان راهی برای ارائه‌ی خدمات مالی به فقرا به آرامی شکل گرفت (جانسن و روگالی^۲، ۱۹۹۷، ص ۶-۵).

رویکرد جدید، هدف اصلی خود را ارائه‌ی خدمات مالی به فقرا با شرایط آسان و براساس نرخ‌های بازاری قرار داده بود، که براساس آن بهبود وضع محرومان، به‌واسطه‌ی تلاش خودشان دنبال می‌شد. مالیه‌ی خرد توانست مشکلات بزرگ تمامی رویکردهای حمایتی بعد از جنگ جهانی دوم را مرتفع کند، این رویکرد در حال حاضر به عنوان استراتژی مسلط ارائه‌ی خدمات مالی به فقرا در نقاط مختلف جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد (دروازه مالیه‌ی خرد^۳، ۲۰۰۴؛ مردوچ^۴، ۱۹۹۹، ص ۱۵۷۵).

در ایران نیز هم‌چون دیگر کشورها، نهادهای مختلفی به ارائه‌ی خدمات مالی خرد پرداخته‌اند، تا بدین‌وسیله خانواده‌های فقیر را یاری کرده و امکان دسترسی آن‌ها به خدمات مالی را فراهم آورند. از جمله‌ی این نهادها، صندوق خودکفایی کمیته‌ی امداد

1- Badru.

2- Johnson, S. and Rogaly, B.

3- Microfinance Gateway.

4- Morduch.

امام خمینی می‌باشد. هر چند رویکرد کلی کمیته‌ی امداد رویکردی حمایتی نسبت به فقراست، اما صندوق خودکفایی، رویکردی ارتقا دهنده را برگزیده و هدف خود را خودکفا کردن خانوارهای تحت پوشش قرار داده است.

این مطالعه به دنبال بررسی اثر تأمین مالی خرد بر درآمد و نیز مصرف خانوارهای بهره برده از خدمات صندوق خودکفایی کمیته‌ی امداد است. علت برگزیدن صندوق خودکفایی این است که این صندوق علاوه بر اعتبار، خدمات دیگری نیز ارائه می‌دهد و می‌تواند در قالب نهاد ارائه دهنده‌ی خدمات مالی خرد دسته‌بندی شود. روش بررسی در این مطالعه علاوه بر استفاده از اسناد و مدارک موجود و تحلیل آن‌ها، از روش پیمایش تبعیت می‌کند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات میدانی از ابزار پرسش‌نامه استفاده می‌شود.

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر عبارت است از تمامی خانوارها تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی در استان تهران و نمونه‌ها شامل خانوارهای تحت پوشش کمیته در استان تهران که از صندوق خودکفایی این نهاد اعتبار دریافت کرده‌اند به عنوان گروه آزمایش^۱ و همچنین خانوارهای تحت پوششی از این استان که اعتبار دریافت نکرده‌اند، اما واجد شرایط دریافت خدمات مالی‌هی خرد هستند. به عنوان گروه کنترل^۲ و شاهد است. (این دو گروه تنها در دریافت وام متفاوتند و دارای خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی یکسان می‌باشند). شایان ذکر است در این تحقیق ۸۵ پرسش‌نامه مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- مالیه‌ی خرد و اعتبار خرد

معمولاً دو اصطلاح مالیه‌ی خرد و اعتبار خرد به جای یکدیگر به کار می‌روند، اما باید تفاوت میان این دو مشخص و از هر گونه اشتباهی جلوگیری شود. مالیه‌ی خرد، ارائه‌ی خدمات مالی به فقراست، این خدمات مالی طبق نظر لیگروود^۳ (۱۹۹۹) شامل پس‌انداز و اعتبار می‌شود، اما می‌تواند دیگر خدمات مالی مانند بیمه و خدمات پرداخت را نیز در بر بگیرد.

1- Experiment group.

2- Control group.

3- Ledgerwood.

شراینر و کلمبت^۱ (۲۰۰۱، ص ۳۳۹)، مالیهی خرد را "کوششی برای بهبود دسترسی به سپرده‌های کوچک و وام‌های خرد برای خانواده‌های فقیر مورد غفلت واقع شده توسط بانک‌ها"، تعریف کرده‌اند.

بنابراین مالیهی خرد شامل تدارک خدمات مالی مانند پس‌انداز، وام، بیمه و... برای افراد فقیر روستایی و شهری است که قادر به دستیابی به این قبیل خدمات از بخش مالی رسمی نیستند. در کل می‌توان معیارهایی را برای تعریف مالیهی خرد در نظر گرفت:

- سائز: وام‌ها خرد و بسیار کم مقدارند.
- گروه‌های هدف: کارآفرینان خرد و خانواده‌های کم درآمد
- نوع خدمت: ارائه‌ی انواع خدمات مالی
- کاربرد: تولید درآمد، توسعه‌ی کسب و کار و هم‌چنین کاربردهای اجتماعی مانند تحصیل و بهداشت و....
- ضوابط و شرایط: انعطاف ضوابط و شرایط وام‌های مالیهی خرد و فهم آسان و متناسب با شرایط محلی اجتماع.
- بنابراین اعتبار خرد از این نظر که شامل تأمین وام و اعتبار برای فقراست جزئی از مالیهی خرد محسوب می‌شود، اما مالیهی خرد شامل خدمات دیگری به غیر از اعتبار است مانند پس‌انداز، بیمه، خدمات پرداخت، حواله و...

۲-۲- ظهور مالیهی خرد

مالیهی خرد از تجربه‌های جنوب آسیا و آمریکای لاتین به رشد و ترقی دست یافت، اما شناخته شده‌ترین و مهم‌ترین آغاز، در بنگلادش و در سال ۱۹۷۶، به دنبال قحطی گسترده‌ی سال ۱۹۷۴ و نیز جنگ سخت آزادسازی در ۱۹۷۱ رخ داد. هیچ کس از محمد یونس، اقتصاددانی که در دانشگاه چیتاگونگ تدریس می‌کرد، به مالیهی خرد نزدیک‌تر نیست. وی که به عنوان مبدع مالیهی خرد شناخته شده است، در سال ۲۰۰۶ جایزه‌ی صلح نوبل را به خود اختصاص داد. یونس، در جریان قحطی ۱۹۷۴ در بنگلادش (که فقرای در حال مرگ پشت در خانه ثروتمندان شهر صف کشیده بودند)، تعدادی وام ۵۰ دلاری به گروهی چهار و دو نفره از زنان روستای جبرای^۲ در بنگلادش

1- Schreiner and Colombet.

2- Jobra.

پرداخت کرد. بعد از مدت زمان کوتاهی، وقتی به آن روستا بازگشت مشاهده کرد که آن زنان حرفه‌های کوچکی به راه انداخته‌اند. آن‌ها نه تنها قادر به بازپرداخت وام‌شان بودند، بلکه کسب و کار کوچک‌شان آن قدر سودمند بود که بتوانند شرایط زندگی خود و خانواده‌شان را بهبود بخشند. بر این اساس وی متقاعد شد که راه چاره‌ای برای شرایط بد آن‌ها پیدا کرده است: عرضه‌ی وام‌های فردی بسیار اندک به تهیدستان، تا فعالیت‌های مختلفی از ساخت چهارپایه‌های چوبی تا خرید یک گاو شیرده را انجام دهند. در ۱۹۷۶ پس از این که بانک‌های محلی به خواهش‌های وی برای وام دادن به فقرا توجهی نکردند، او مصمم شد که خودش این کار را بکند و به این ترتیب بانک گرامین را تأسیس کرد (اسووپ^۱، ۲۰۰۵، ص ۵).

جنبش مالی‌های خرد که با تلاش‌های محمد یونس و بانک گرامین در بنگلادش آغاز شد، ثابت کرده که تأمین‌کننده‌ی ملاک‌های رویکرد ترقی‌دهنده به جای رویکرد حمایتی است. عملکرد یونس و بانک گرامین در دادن اعتبار به فقرا آن چنان خیره‌کننده بود که توجه بسیاری را به‌خود جلب نموده است. مدل اجرایی گرامین در کشورهای بولیوی، شیلی، چین، اتیوپی، هندوراس، هندوستان، مالزی، مالی، فیلیپین، سری لانکا، تانزانیا، تایلند، ایالات متحده، کانادا، انگلستان و ویتنام، مورد تقلید قرار گرفت (مردوچ و دی آقین^۲، ۲۰۰۴، ص ۱۳۶).

۳-۲ - ابتکارات مالی‌های خرد

یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت مالی‌های خرد طی چند دهه‌ی گذشته، به‌کارگیری ابتکارات و شیوه‌های نوین در خدمت‌دهی مالی به فقرا بوده است. هر چند این شیوه‌ها از سوی تمامی مؤسسات مالی‌های خرد به‌کار بسته نمی‌شوند، اما به‌عنوان ویژگی‌های اصلی مالی‌های خرد شناخته شده‌اند. برخی از این ابتکارات عبارتند از:

- بانک‌های روستا: ایجاد بانک در روستاها و در مجاورت اجتماعات محلی، به گونه‌ای که بر مشکل عدم تحرک مشتریان غلبه شود و امکان دسترسی بیش‌تر آن‌ها به خدمات مالی را فراهم آورد (براندسما و چاولی^۳، ۱۹۹۸، ص ۲۵).

- وام‌دهی گروهی: این روش به‌عنوان جایگزینی برای وثیقه مطرح شد. استفاده از روش وام‌دهی گروهی، ضمن کاهش هزینه‌های مبادله برای مؤسسه‌ی مالی‌های خرد،

1- Swope.

2- de Aghion.

3- Brandsma and Chaouli.

موجب کاهش مشکلات ناشی از انتخاب نامساعد، مخاطرات اخلاقی و ضمانت اجرایی می‌شود (مردوچ و دی آقین، ۲۰۰۴، ص ۱۴۰-۱۳۷). وام‌دهی گروهی هم‌چنین سرمایه‌ی اجتماعی اعضای گروه‌ها را نیز افزایش می‌دهد (متوو^۱، ۲۰۰۶، ص ۲۸).

- پرداخت وام با تمرکز بر زنان: تمرکز بر زنان ناشی از این مسأله بوده است که فقر میان آنان گسترده‌تر و عمیق‌تر از مردان است (چستون و کان^۲، ۲۰۰۲).

- تأکید ویژه بر پس‌انداز: علاوه بر اعتباردهی در مؤسسات مالی‌ی خرد، به پس‌انداز نیز توجه می‌شود. تکیه بر پس‌انداز، هم در جهت پاسخ‌گویی به نیاز مشتریان و هم به منظور پایداری مالی مؤسسات مالی‌ی خرد می‌باشد (مردوچ، ۱۹۹۹).

- نرخ بهره‌ی بالا: نرخ بهره‌ی مؤسسات مالی‌ی خرد بر پایه‌ی نرخ بهره‌ی بازار است. تعیین این نرخ با هدف سخت‌گیری بر مشتریان برای انجام کار و تلاش بیش‌تر انجام می‌گیرد و از سوی دیگر پایداری مالی مؤسسات نیز مورد نظر است. مطالبه‌ی هزینه‌ی بالاتر بر پایه‌ی نرخ بهره‌ی بازار، ثابت کرده است که خدمات مالی با هدف‌گیری فقرا می‌تواند سودآور باشد (براندسما و چالولی، ۱۹۹۸، ص ۱).

- پایداری مالی: مؤسسات مالی‌ی خرد تأکید خاصی بر دستیابی به پایداری مالی دارند، به معنای استقلال مالی و عدم وابستگی به کمک‌های دولتی و یا کمک‌های خیرین (براندسما و چالولی، ۱۹۹۸، ص ۲).

۴-۲- سازوکارهای اجرایی مالی‌ی خرد

سازوکارهای اجرایی مالی‌ی خرد عبارتند از:

- مدل فردی^۳، پرداخت وام به فرد و تعهد خود فرد به تنهایی
 - مدل گروه‌های منسجم^۴، پرداخت وام به فرد، در گروه و تعهد مشترک گروه
 - مدل گروه‌های خودیار^۵، پرداخت وام به گروه و تعهد مشترک (آقابابایی، ۱۳۸۷)
- در مدل فردی، ارائه‌ی خدمات به فقرا با استفاده از روش‌های فردی انجام می‌گیرد. مؤسسه‌ی ارائه‌دهنده‌ی خدمت برای استفاده از روش وام‌دهی فردی باید تنها بر فرد و ارزش اعتباری او تمرکز کند. در این حالت لازم است مؤسسه، ارائه‌دهنده‌ی خدمات، نظارت دقیقی بر روی وام‌گیرنده اعمال کند. بدیهی است در این روش هزینه‌های مبادله

1- Dan Matovu.
 2- Cheston and Kuhn .
 3- Individual .
 4- Solidarity Group.
 5- Self-Help Group.

برای وام‌گیرنده، کم و هزینه‌های کنترل و نظارت بر او بر عهده‌ی وام‌دهنده خواهد بود، لذا این نوع مؤسسات مجبور می‌شوند برای دستیابی به پایداری مالی، نرخ بهره‌ی وام را افزایش دهند و یا از مشتریان خود وثیقه دریافت کنند. معتبرترین مؤسسات مالیه‌ی خرد که از روش وام‌دهی فردی استفاده می‌کنند، بانک راکیات اندونزی است (آقابایی، ۱۳۸۷). از معایب وام‌دهی فردی این است که خود فقرا چندان استقلال و خودگردانی ندارند. در حقیقت این کارمندان وام و پرسنل مؤسسات مالیه‌ی خرد هستند که تصمیم‌گیرنده‌اند. آن‌ها هم‌چنین عهده‌دار جمع‌آوری و پرداخت وام‌ها می‌باشند. در این روش، پرسنل مؤسسات مالیه‌ی خرد به جای توانمندسازی افراد برای یاری رساندن به خودشان، آن‌ها را حمایت می‌کنند.

ترتیبات نوع دوم که فردی/گروهی نامیده می‌شود، توسط بانک گرامین به کار گرفته شده است، گروه‌ها به تعداد ۵ نفر هستند که توسط خودشان انتخاب می‌شوند. در این روش، وام به فرد داده می‌شود، اما تمام گروه علاوه بر خود فرد مسئول بازپرداخت اعتبارند. ۸ گروه با یکدیگر تشکیل یک مرکز را می‌دهند. در این مرکز افراد گروه‌ها جلسات هفتگی برگزار می‌کنند و اقساط وام‌های دریافتی را به تناوب در این جلسات بازپرداخت می‌کنند. اگر یکی از افراد گروه وام خود را بازپرداخت نکند، بقیه متعهد به پرداخت آن هستند و در صورت عدم پرداخت توسط آن‌ها، تمام گروه از دریافت وام بعدی منع می‌شوند، لذا در این‌جا وجود درجاتی از پیوندهای اجتماعی برای اعمال فشار و تنبیه به افراد خاطی برای واداشتن آن‌ها به بازپرداخت اعتبارات دریافتی لازم است. این بدان معناست که پرسنل مؤسسات مالیه‌ی خرد در این مدل تصمیم‌گیران عمده نیستند، بلکه برخی امور به خود افراد واگذار شده است و لذا آن‌ها در بسیاری موارد دارای استقلال هستند (زلیلر، ۲۰۰۱، ص ۱۰).

در مدل گروه‌های خودیار یا همیار، بیش‌ترین استقلال برای افراد فراهم آورده شده و مسئولیت کامل به آن‌ها داده می‌شود. گروهی از افراد بین ۱۰ تا ۲۰ نفر در قالب یک گروه شکل گرفته و با یک بانک به شکل گروهی قرارداد منعقد می‌کنند که به آن‌ها خدمات اعتباری و پس‌اندازی ارائه کند. بانک، مسئول ارائه‌ی خدمات است و گروه، به شکل درون‌زا به شکل‌دهی مدیریت اعضا بر حساب‌های پس‌انداز اقدام می‌کند. هیچ یک از اعضای گروه با بانک مرتبط نیستند، بلکه این کل گروه است که با بانک مواجه می‌شود. وامی کلی به گروه داده می‌شود که همه‌ی اعضا در بازپرداخت آن تعهد

مشترک دارند. این مدل که به مدل پیوندی^۱ نیز شناخته می‌شود، نیازمند روابط اجتماعی بسیار نزدیک و پیوندهای قوی اجتماعی میان اعضاست (زللر، ۲۰۰۱). یکی از مهم‌ترین تجربیات گروه‌های هم‌یار، در بانک نبرد هندوستان بوده است. در این روش بار زیادی از هزینه‌های مبادله به گروه تحمیل می‌شود و معمولاً فقیرترین افراد، اعضای این گروه‌ها را شکل می‌دهند (هلمز^۲ ۲۰۰۶). در این مدل مؤسسه‌ی ارائه‌دهنده‌ی خدمت که گروه به آن پیوند می‌خورد، کم‌ترین هزینه را برای مدیریت پس‌انداز و اعتبار متحمل می‌شود، این بدان معناست که در این مدل پرسنل مؤسسات مالی‌هی خرد تصمیم‌گیران عمده نیستند، بلکه همه‌ی امور به خود افراد واگذار شده و لذا آن‌ها در بسیاری موارد دارای استقلال هستند (زللر، ۲۰۰۱، ص ۱۰).

۵-۲- روش ارزیابی اثرات مالی‌هی خرد

ارزیابی اثر مالی‌هی خرد بر روی متغیرهای گوناگون از سوی پژوهشگران مختلف به انجام رسیده است. مرور این مطالعات حاکی از آن است که همه‌ی آن‌ها از چند قالب کلی در روش بررسی پیروی می‌کنند، که این روش‌ها عبارتند از:

الف) بررسی شاخص‌های مختلف در مورد افراد مشارکت‌کننده در مالی‌هی خرد در دو مقطع زمانی قبل از مشارکت و بعد از مشارکت. به عنوان مثال مطالعه‌ی مکی نلی و دانفورد^۳ (۱۹۹۸)، خاندکار^۴ (۱۹۹۸) و ... از این روش تبعیت می‌کند.

ب) بررسی شاخص‌های مختلف در مورد مشارکت‌کنندگان در مالی‌هی خرد به عنوان گروه آزمایش و غیر مشارکت‌کنندگان دارای واجد شرایط شرکت در مالی‌هی خرد به عنوان گروه کنترل. به عنوان مثال موسلی^۵ (۱۹۹۹)، براندراپ و همکاران^۶ (۱۹۹۷)، چن و اسنودگراس (۲۰۰۱)، از این روش استفاده کرده‌اند.

پ) بررسی شاخص‌های مختلف در مورد مشارکت‌کنندگان مالی‌هی خرد به عنوان گروه آزمایش و غیر مشارکت‌کنندگان واجد شرایط شرکت در برنامه، که در مناطق دارای برنامه‌ی مالی‌هی خرد ساکنند و نیز غیرمشارکت‌کنندگان واجد شرایط شرکت در برنامه که در مناطق بدون برنامه‌ی مالی‌هی خرد، اما واجد شرایط ایجاد برنامه سکونت

1- Linkage Banking.

2- Helms.

3- MkNelly, Barbara and Christopher Dunford.

4- Khandker.

5- Mosley.

6- Bruntrup et al.

دارند. به عنوان مثال هاشمی و همکاران^۱ (۱۹۹۶)، هولم و موسلی^۲ (۱۹۹۶)، کلمن^۳ (۱۹۹۹)، پیت و خاندکار^۴ (۱۹۹۸)، مک کران^۵ (۲۰۰۲) خاندکار (۲۰۰۳) و ... از این این روش در ارزیابی‌های خود بهره برده‌اند.

در این مطالعه، با توجه به فقدان اطلاعات مربوط به دوره‌های قبل و مشکلات دسترسی به آن‌ها، از روش اول استفاده نشده است، از آنجایی که صندوق خودکفایی در کلیه نواحی مورد بررسی شعبه داشت، روش سوم نیز مورد استفاده قرار نگرفت و روش دوم برای آزمون، انتخاب شد.

۳- مروری بر مطالعات انجام گرفته

به منظور تحلیل این مسأله که آیا نظام مالی خرد می‌تواند با ایجاد بسترهای رفاهی، موجبات افزایش درآمد و مصرف خانوارها را فراهم آورد؟ در این بخش تلاش داریم که ببینیم آیا مطالعات تجربی انجام گرفته گواه بر وجود رابطه‌ی علی و همبستگی میان مالیه‌ی خرد و افزایش درآمد و مصرف خانوارها هستند یا خیر؟

۱-۳- مطالعات مربوط به اثر مالیه‌ی خرد بر روی درآمد

با مروری بر ادبیات در می‌یابیم که اثر مالیه‌ی خرد روی درآمد در سطوح شخصی، خانواده و کسب و کار مورد ارزیابی قرار گرفته است. شواهدی مبنی بر این‌که خانواده‌هایی که در برنامه‌های مالیه‌ی خرد شرکت دارند از افزایش درآمد خانوار منتفع می‌شوند (مردوچ و هالی^۶، ۲۰۰۲، ص ۵؛ سیمانو ویتز و والتر^۷، ۲۰۰۲، ص ۲۰)، وجود وجود دارد آن‌ها هم‌چنین از افزایش در مدیریت نقدینگی و مصرف و نیز توانایی بیش‌تر در کسب سود بهره می‌برند (خاندکار، ۱۹۹۸، ص ۱۴۸؛ مردوچ و هالی، ۲۰۰۲، ص ۵؛ سیمانو ویتز و والتر، ۲۰۰۲، ص ۳). چندین مطالعه‌ی موردی در اثر مالیه‌ی خرد روی درآمد خانوارهای فقیر وجود دارد:

1- Hashemi, Schuler and Riley.
2- Hulme David & Paul Mosley.
3- Coleman.
4- Pitt and Khandker.
5- Mckernan.
6- Morduch and Haley.
7- Simanowitz, Anton and Alice Walter.

در سال ۱۹۹۶، صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)^۱، شواهدی را از ویتنام ارائه می‌دهد که ۹۷٪ قرض‌گیرندگان به طور معنی‌داری درآمد خانواده‌شان را بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ افزایش داده‌اند.

هولم و موسلی (۱۹۹۶)، مطالعات مختلفی را روی برنامه‌های مالی‌هی خرد گوناگون در کشورهای بسیاری انجام داده‌اند و به شواهد در ارتباط با محکمی در زمینه‌ی اثر مثبت بین دسترسی به اعتبار و سطوح درآمدی وام‌گیرندگان دست یافته‌اند. این نویسندگان نشان داده‌اند که فقرای متوسط و غنی‌تر، منافع بیش‌تری از زایش درآمدی نسبت به فقیرترها دریافت می‌کنند. در مطالعه‌ی خاندکار و همکاران (۱۹۹۸)، برنامه‌های اعتباری خرد در بنگلادش در سطح روستا مورد بررسی قرار گرفته، که نشان داده است این برنامه‌ها اثر مثبتی بر متوسط درآمد سالانه‌ی خانوارها، به ویژه در بخش‌های غیرکشاورزی روستا دارد. مکی نلی و دانفورد (۱۹۹۸)، مطالعه‌ای را در غنا و در سال ۱۹۹۹ در بولیوی ترتیب داده و به ارزیابی اثر مالی‌هی خرد در مورد برنامه‌های اعتباری‌ای که با آموزش همراه بوده‌اند می‌پردازند. مطالعه در غنا نشان داده است که مشتریان برنامه‌های مالی‌هی خرد، افزایش درآمدی به مقدار ۳۶ دلار را به صورت ماهانه در درآمدهای غیرکشاورزی‌شان تجربه کرده‌اند، در حالی که این مقدار در گروه‌های کنترل ۱۷ دلار بوده است. در مطالعه‌ی مربوط به بولیوی این دو محقق به افزایش سود غیرکشاورزی مشتریان دست نیافتند اما یک افزایش عمده در سود خانوار را مشاهده کردند.

بانک جهانی با همکاری مؤسسه‌ی مطالعات توسعه‌ی بنگلادش نشان داد که گرامین بانک، نه تنها سبب کاهش فقر و افزایش رفاه خانوارهای شرکت‌کننده در برنامه شده است، بلکه در بیش‌تر موارد به خانواده‌ها برای کسب سود و درآمدی ثابت کمک کرده است.

موسلی (۱۹۹۹)، اثر وام‌های پرداختی توسط دو مؤسسه‌ی مالی‌هی خرد شهری و ۲ مؤسسه‌ی روستایی را روی فقر در بولیوی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. وی به این نتیجه می‌رسد که مالی‌هی خرد در این ۴ مؤسسه‌ی ارتباط مثبتی با درآمد وام‌گیرندگان دارند، حتی اگر این اثر برای وام‌گیرندگان فقیرتر نسبت به وام‌گیرندگان غنی‌تر کم‌تر باشد. سیمانویتز و والتر، در تحقیقی که در مورد بانک اعتباری خرد در بولیوی انجام داده‌اند، چنین بیان می‌کنند که افزایش درآمد به وسیله‌ی ۶۶٪ از مشتریان گزارش شده

1- United Nations Children's Fund (UNICEF).

است. بیش‌تر شرکت‌کنندگان این توانمند شدن را منسوب به بسط فعالیت‌های ایجاد درآمد، کاهش هزینه‌های محصول در نتیجه‌ی خرید عمده یا به صورت نقدی، دسترسی به بازارهای فروش جدید و نیز فعالیت‌های جدیدشان در تولید که از طریق دسترسی به اعتبار ممکن شده بود، می‌دانستند (سیمانوویتز و والتر، ۲۰۰۲، ص ۲۳). مردوچ و هالی (۲۰۰۲)، مطالعه‌ی وسیعی را در مورد اثر برنامه‌های تأمین مالی خرد بر روی اهداف هزاره انجام داده و به این نتیجه رسیده‌اند که این برنامه‌ها می‌توانند بر ۶ هدف از ۸ هدف هزاره اثر مثبتی داشته باشند. یکی از این اهداف، کاهش سطح فقر می‌باشد، که از طریق افزایش درآمد حاصل می‌شود. این دو محقق بیان کرده‌اند که مالیه‌ی خرد، با افزایش درآمد خانوارها می‌تواند منجر به کاهش فقر خانوارهای بهره‌برده از خدمات مالی خرد شود.

سنگسوریوانگ^۱ (۲۰۰۶)، مطالعه‌ای را در ۶ روستای لائوس، در فاصله‌ی سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶ انجام داده است. ۶ روستای مورد بررسی وی همگی دارای برنامه‌ی مالیه‌ی خرد بوده‌اند، که ۳ روستا از نظر ارائه‌ی خدمات مالی، قدیمی‌تر و در ۳ روستای دیگر کم‌تر از یک سال بود که خدمات مالی خرد ارائه می‌شد. خانوارهای مورد بررسی در این ۶ روستا شامل دو گروه عضو و غیر عضو در برنامه‌های مالیه‌ی خرد بودند. وی در نهایت بیان می‌کند که برنامه‌های مالیه‌ی خرد اثرات مثبتی بر گروه‌های عضو برنامه‌ها دارد، که یکی از این اثرات، افزایش درآمد ناشی از تولیدات دامی و کشاورزی خانوارهای شرکت‌کننده در برنامه نسبت به غیر شرکت‌کننده‌هاست.

کئلی و همکاران^۲ (۲۰۰۷)، طی مطالعه‌ای در ویتنام با رویکرد رگرسیون، اثر مالیه‌ی خرد بر مصرف و درآمد خانوار، با هدف مقایسه‌ی رفاه خانوارهای عضو مالیه‌ی خرد و خانوارهای غیر عضو فقیر را بررسی کردند. در نهایت به این نتیجه رسیدند که مالیه‌ی خرد اثر نسبتاً کمی بر افزایش درآمد و مصرف دارد، با این حال افزایش درآمدی که حاصل می‌شود می‌تواند منجر به بهبود سطح زندگی آن‌ها شود.

در مجموع می‌توان گفت شواهد به روشنی در حمایت از مالیه‌ی خرد به عنوان ابزار افزایش درآمد خانوار، هموارسازی جریان مصرف و توانایی کسب سود به صورت پایدار هستند. مالیه‌ی خرد بسیاری از خانوارهای فقیر را قادر می‌کند که درآمد کافی کسب کنند و خود را از خط فقر بالا بکشند و بنابراین مالیه‌ی خرد ابزاری مؤثر در کاهش فقر درآمدی است.

1- Sengsourivong.

2- Coelli and et al.

۲-۳- مطالعات مربوط به اثر مالی‌هی خرد بر هزینه

هزینه، معیار دیگری در اندازه‌گیری اثر مالی‌هی خرد است. پیت و خاندکار (۱۹۹۶) و (۱۹۹۸)، اثر اعتبارات خرد دریافت شده به‌وسیله‌ی زنان و مردان را برای بانک گرامین و دو برنامه‌ی مالی‌هی خرد دیگر بر پایه‌ی گروه وام‌دهی در بنگلادش روی شاخص‌های گوناگون بررسی کرده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که مشتریان برنامه‌ها از راه‌های مختلف می‌توانند از شرکت در برنامه‌های مالی‌هی خرد بهره‌مند شوند. مطالعه‌ی آن‌ها نشان داده است که مصرف سرانه، با دسترسی به وام یک برنامه‌ی اعتبار خرد مانند بانک گرامین می‌تواند افزایش یابد. هم‌چنین خاندکار (۲۰۰۳)، تحقیقی را در مورد اثرات بلندمدت مالی‌هی خرد روی مصرف خانوار و فقر در بنگلادش انجام داده است. وی با تعیین انواع اثر بر روی ۶ خروجی خانوار شامل مخارج سرانه‌ی کل، مخارج سرانه‌ی خوراک، مخارج سرانه‌ی غیر خوراکی، دارایی‌های غیر زمین خانوار و شیوع فقر میانه و شدید، به این نتیجه می‌رسد که اثرات مالی‌هی خرد بر روی وام‌گیرندگان مرد، خیلی ضعیف‌تر از اثر آن بر وام‌گیرندگان زن بوده است و کارکرد کاهشی در مورد قرض‌گیری دائم وجود دارد. علاوه بر این، او بیان می‌دارد که تأثیرگذاری بر هزینه‌ی خوراک از هزینه‌ی غیرخوراک کم‌تر مشخص بوده است. در کنار این‌ها، وی نشان می‌دهد که فقیرترین‌ها از مالی‌هی خرد بهره کسب می‌کنند و مالی‌هی خرد یک اثر پایدار بر حسب کاهش فقر بین مشتریان برنامه دارد. گذشته از این نویسنده پی می‌برد که مالی‌هی خرد اثرات سرریزی در کاهش فقر در سطح روستا دارد، به معنای دیگر مالی‌هی خرد دارای اثرات خارجی رفاهی است. هر چند مردوچ (۱۹۹۹)، استدلال می‌کند که خانواده‌های واجد شرایط شرکت‌کننده در این ۳ برنامه‌ی مالی‌هی خرد به طور چشم‌گیری سطوح مصرف کم‌تری نسبت به خانوارهای واجد شرایط در روستاهای بدون برنامه دارند. کئلی و همکاران (۲۰۰۷)، چنین نتیجه گرفتند که دستیابی به خدمات مالی خرد سبب افزایش مخارج تحصیل، غذا و سرگرمی می‌شود، در حالی که مخارج مربوط به پزشک و درمان را کاهش می‌دهد.

لذا با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که مطالعات گذشته در مورد متغیر درآمد نشان دهنده‌ی آن است که مالی‌هی خرد افزایش درآمد خانوار و نیز توانایی کسب سود بیش‌تر را موجب شده و در مورد متغیر هزینه، افزایش مخارج تحصیل، خوراک و سرگرمی و کاهش مخارج درمان را به دنبال داشته است.

۴- تجزیه و تحلیل نتایج

در این بخش از تحقیق صندوق خودکفایی کمیته‌ی امداد به عنوان نمونه‌ای از مؤسسات تأمین مالی خرد استفاده شده تا اثر مالی‌هی خرد بر روی رفاه و سطح زندگی اقتصادی خانوارهای تحت پوشش این صندوق مورد بررسی قرار گیرد و بدین وسیله وجود رابطه‌ی علی که در بخش قبل با توجه به مطالعات گذشته به آن اشاره شد، عملاً مورد ارزیابی قرار گیرد.

۴-۱- نحوه‌ی فعالیت صندوق خودکفایی

هدف از ایجاد صندوق خودکفایی ایجاد اشتغال برای فقرا و به تبع آن افزایش درآمد و رسیدن خانوار به سطحی از زندگی است که به طور مستقل و خودکفا توانایی تأمین خانواده را داشته و به بیان دیگر نیازی به دریافت کمک‌های نقدی و غیرنقدی این نهاد نداشته باشد. فعالیت‌های این نهاد در زمینه‌ی خودکفایی مددجویان، حول محورهای زیر متمرکز است:

- شناسایی مددجویان مستعد خودکفایی و تعیین درجه‌ی مهارت و توان اجرایی آنها
- پرداخت وام‌های خودکفایی، تهیه و واگذاری مواد اولیه و وسیله کار
- ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور ارتقای سطح آگاهی‌های علمی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مددجویان
- تهیه‌ی مقدمات لازم برای خودکفایی جمعی و گروهی، از طریق کارگاه‌های آموزشی و تولیدی
- رسیدگی و نظارت بر حسن اجرای طرح‌های اشتغال و خودکفایی مددجویان و کنترل کیفیت محصولات تولیدی آنها
- کمک در بازاریابی و فروش محصولات تولیدی مددجویان
- تأمین فضای خودکفایی
- بیمه‌ی اجتماعی مشمولان طرح‌های خودکفایی به منظور پیشگیری از سقوط آنان به چرخه‌ی فقر

- شناسایی منابع و امکانات بالقوه و بالفعل مناطق مختلف کشور، به منظور بهره‌گیری در جهت توسعه‌ی فرصت‌های شغلی (سالنامه‌ی آماری کمیته‌ی امداد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷).

صندوق خودکفایی امداد، در برخی ویژگی‌ها مانند پرداخت اعتبارات خرد به فقرا، ارائه‌ی خدمات بیمه، تأکید ویژه بر زنان سرپرست خانوار، داشتن شعب در نواحی مختلف، ارائه‌ی خدمات آموزشی و برگزیدن هدف خودکفاسازی خانوارها، به مالیه خرد شباهت دارد و با داشتن ویژگی‌هایی چون عدم اخذ نرخ بهره، عدم توجه به پایداری مالی و عدم استفاده از روش وام‌دهی گروهی، تفاوت‌هایی با مالیه خرد دارد.

۲-۴ - انتخاب متغیرها

متغیرهای گوناگونی بر درآمد و مصرف یک خانوار اثر دارد، که خصوصیات خانوار و ویژگی‌های مربوط به مالیه خرد نمونه‌هایی از آن هستند.

در این پژوهش از ویژگی‌هایی چون نرخ وابستگی، تعداد شاغلان، متوسط تحصیل افراد در سن کار، بعد یا اندازه‌ی خانواده، سن سرپرست خانوار و تحصیل سرپرست خانوار به عنوان متغیرهای مؤثر در رفاه استفاده شده است.

نرخ وابستگی یا به معنای دیگر بار تکفل، از تقسیم تعداد افرادی که زیر سن کار قرار دارند بر تعداد افراد خانواده در سن کار (که سن کار نیز ۱۶ تا ۶۰ سال در نظر گرفته شده است) به دست می‌آید و انتظار می‌رود که خانوارها با نرخ وابستگی بالاتر مشکلات بیشتری در بهبود استانداردهای زندگی داشته باشند.

تعداد شاغلان نشان دهنده‌ی ظرفیت تولید خانوار است و انتظار بر آن است که خانوارهای با نیروی کار بیشتر، در صورت ثبات سایر شرایط، قادر به ایجاد درآمد بالاتری باشند.

متوسط سطح تحصیل افراد در سن کار خانواده نشان‌دهنده‌ی توانایی در یادگیری و به‌کارگیری تکنولوژی در تولید است. این انتظار وجود دارد که خانوارهای با متوسط تحصیل بالاتر توان تولید سطح بالاتری از درآمد و نیز سطح بیشتری از مصرف را داشته باشند.

سطح تحصیل سرپرست خانوار به این دلیل جهت مورد توجه است که گویای توانایی سرپرست خانوار (به عنوان شخص اول خانواده که مسئولیت اصلی کسب درآمد

بر عهده وی می‌باشد) در به‌کارگیری علوم و فنون نوین در کسب درآمد است. انتظار نیز بر آن است که سرپرست با تحصیلات بالاتر، درآمد بیشتری داشته باشد.

اندازه‌ی خانواده به معنای تعداد افراد خانواده نیز متغیری است که بر رفاه خانوار مؤثر می‌باشد. انتظار بر آن است که خانوارها با سائز و ابعاد بزرگ‌تر با مشکلات بیشتری جهت بهبود اوضاع زندگی خود مواجه باشند.

شوکهایی مانند بیماری، دزدی، از دست دادن محصول، آتش‌سوزی و غیره می‌توانند اثر قابل توجهی بر درآمد و مصرف داشته باشند. به طور خاص، شوک می‌تواند درآمد جاری خانوار را کاهش دهد، خانوار را مجبور به سطح مصرف کم‌تری کند، منجر به کاهش شدید بهره‌وری شود و بنابراین درآمد آینده‌ی خانوار را کاهش دهد، لذا متغیر شوک را می‌توان به عنوان یک متغیر مجازی^۱ و تحت این سؤال که آیا خانوار در طول ۱۲ ماه گذشته شوکی را تجربه کرده است، در نظر گرفت.

متغیرهای برگزیده شده در مورد ویژگی‌های مربوط به مالیه‌ی خرد، شامل مبلغ وام گرفته شده می‌باشد. انتظار بر آن است خانوارهایی که مبلغ بیشتری وام دریافت کرده‌اند، بهره‌ی بیشتری از برنامه‌ها ببرند و در نتیجه از درآمد و مصرف بالاتری برخوردار باشند (کئلی و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۱۱)

۳-۴- تحلیل آماری

با توجه به شباهت اقتصادی، اجتماعی خانوارهای نمونه، متغیرهای عمده‌ی مورد بررسی در هر دو گروه (خانوارهایی که وام دریافت کرده و خانوارهایی که وام نگرفته‌اند) مشابه هستند. به عنوان مثال متوسط سن سرپرست خانوار در ۲ گروه تقریباً ۴۰ سال است، سرپرست خانوار به طور میانگین دارای ۸ سال سواد، خانوارها ۳ نفره بوده و بیش‌تر دارای یک فرد شاغل هستند، متوسط تحصیل افراد در سن کار در هر دو گروه تقریباً ۹ سال می‌باشد. دیگر متغیرها بیانگر این امر است که بیش‌تر خانوارها در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند و تنها حدود یک درصد خانوارها در خانه‌های ملکی ساکنند. خانه‌ها به طور متوسط در حدود ۶۰ متر و دارای یک اتاق می‌باشد. بیش از دو سوم خانوارها در هر دو گروه به فاضلاب دسترسی دارند و از تلفن نیز بهره‌مند هستند. اما در مورد مالکیت رایانه این رقم برعکس است، بدین معنا که بیش از دو سوم خانوارها از داشتن رایانه محرومند. در مورد مالک بودن اتومبیل نیز ارقام نشان می‌دهد کم‌تر از

1- Dummy Variable.

یک درصد خانوارها مالک اتومبیل هستند. با توجه به متوسط ساینز خانوارها، از هر ۳ عضو یک خانوار، یک نفر دارای تلفن همراه و دو نفر دارای بیمه‌ی درمان هستند. یک سوم خانوارها با ترک تحصیل فرزندان‌شان و بیش از نیمی از خانوارها در طول یک سال گذشته با یک حادثه‌ی غیرمنتظره که بار مالی خانوار را افزایش داده و آن‌ها را دچار مشکل مالی نموده است (شوک)، روبرو شده‌اند. همچنین قابل ذکر است که این رقم برای خانوارهای دریافت‌کننده‌ی وام حدود ۵۰ درصد و برای خانوارهایی که وام دریافت نکرده‌اند، ۷۰ درصد می‌باشد، که این امر نشانگر ضعف مالی بیش‌تر در مواجهه با حوادث غیرمنتظره در مورد خانوارهایی که وام دریافت نکرده‌اند، می‌باشد. همچنین، متوسط درآمد ماهانه‌ی خانوارهای دریافت‌کننده‌ی وام، ۲۳۰ هزار تومان و متوسط درآمد ماهانه‌ی خانوارهایی که وام دریافت نکرده‌اند، ۱۳۵ هزار تومان است.

بررسی آمارها نشان می‌دهد که درآمد همه‌ی خانوارهای وام‌گرفته پس از دریافت وام افزایش یافته و تنها یک خانوار در همان سطح درآمد قبل باقی مانده است. این امر می‌تواند بیانگر این مسأله باشد که وام‌های پرداخت شده از سوی صندوق به این خانوارها سبب ایجاد درآمدی از محل کسب شده است، که این درآمد در مقایسه با درآمدی که قبل از دریافت وام داشته‌اند، مبلغ بیش‌تری را شامل می‌شود.

در این مطالعه متغیر دیگری با عنوان مجموع قبوض پرداختی در ماه گذشته (شامل قبض‌های تلفن، برق، گاز و آب) به عنوان متغیر جایگزین هزینه‌ها برای مقایسه‌ی رفاه، مورد استفاده قرار گرفته است. آمارهای به دست آمده نشان می‌دهد که متوسط قبوض پرداختی دریافت‌کنندگان وام، ۳۸ هزار تومان و متوسط قبوض پرداختی گروه دیگر ۲۸ هزار تومان است. مقایسه‌ی این دو رقم می‌تواند بیانگر تفاوت سطح رفاه دو گروه باشد، بدین معنا که خانوارهای دریافت‌کننده‌ی وام به دلیل برخورداری از سطح بالاتری از رفاه، متوسط هزینه‌ی بالاتری نیز نسبت به خانوارهایی دارند که وام دریافت نکرده‌اند.

آمارهای مربوط به دریافت وام نشانگر آن است که بیش‌تر وام‌گیرندگان نزدیک به ۲ سال است که وام دریافت کرده‌اند و در نتیجه فرصت کافی برای جا افتادن کار و اثرگذاری وام بر درآمد و رفاه آنان وجود داشته است. متوسط مبلغ دریافتی توسط خانوارها ۳ میلیون تومان بوده است. مطلب دیگر قابل ذکر، در مورد بازپرداخت وام‌هاست، که آمارها نشان می‌دهد بیش‌تر خانوارها (بیش از نیمی از آنان) حداقل یک بار در بازپرداخت وام دچار مشکل بوده‌اند، به گونه‌ای که به طور متوسط هر خانوار ۲ بار

تعویق در بازپرداخت داشته است، که این امر می‌تواند نشانگر ضعف مالی خانوارها و از سوی دیگر گویای عملکرد نامناسب صندوق در ایجاد انگیزه برای بازپرداخت باشد. مطلب دیگر مورد پرسش قرار گرفته، دلیل عدم استفاده‌ی خانوارها از وام‌های بانکی است. اغلب خانوارها نداشتن وثیقه و شرایط سخت وام‌ها را دلیل این امر دانسته‌اند. از پاسخ‌ها می‌توان دریافت که فلسفه‌ی ایجاد مؤسسات مالی‌هی خرد، به دلیل شرایط سخت بانک‌ها برای ارائه‌ی خدمات مالی و نداشتن وثیقه از سوی خانوارهای فقیر، در مورد خانوارهای مورد پرسش قرار گرفته نیز صدق می‌کند.

۵- تحلیل اقتصادسنجی

تصریح ویژگی‌های الگوی اقتصادسنجی

به منظور بررسی اثر مالی‌هی خرد بر رفاه اقتصادی خانوار، از مدل ملدونادو (۲۰۰۴) و مک کرنان (۲۰۰۲)^۱ استفاده شده است، که از فرم تابعی زیر تبعیت می‌کند:

$$\text{Ln } Y_{ij} = \beta_0 + \beta_1 D_{ij} + \beta_2 X_{ij}^* + \mu_{ij}$$

و در آن:

$\text{Ln } Y_{ij}$ ، لگاریتم شاخص‌های رفاه خانوار مانند درآمد است (به جای درآمد، مصرف را نیز می‌توان در نظر گرفت).

D_{ij} ، متغیر مجازی است که برای افرادی که از وام خودکفایی استفاده کرده‌اند، مقدار یک و برای آن‌ها که وام دریافت نکرده‌اند، مقدار صفر است.

$X_{ij}^* = \text{Ln } X_{ij}$ ، که برداری از خصوصیات خانوار هم‌چون سن، تحصیل، سبزی و... است.

β_1 و β_2 هم پارامترهای مدل هستند که با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده خواهند شد.

در معادله‌ی بالا، پارامتر β_1 ، اختلاف بین وام‌گیرندگان و غیر وام‌گیرندگان را پیش‌بینی می‌کند و به بیانی دیگری اثر مالی‌هی خرد بر روی مشتریان را نشان می‌دهد. β_2 نیز ارتباط بین خصوصیات منتخب خانوار و شاخص‌های انتخابی رفاه (درآمد و مصرف) را اندازه‌گیری می‌کند.

1- Maldonado (2004) and McKernan (2002).

۱-۵- اثرات مالی‌هی خرد بر مصرف و درآمد خانوارها

اثرات مالی‌هی خرد بر درآمد و مصرف به ازای بزرگسالان خانواده در جدول (۱) آمده است.

لازم به ذکر است که اثر مالی‌هی خرد بر درآمد و مصرف خانوار در مدل‌های گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفت، بدین معنا که درآمد در ۳ سطح درآمد کل، درآمد سرانه و درآمد به ازای بزرگسالان خانوار و مصرف نیز در ۳ سطح مصرف کل، مصرف سرانه و مصرف به ازای بزرگسالان خانوار در مدل منظور شد که پس از بررسی مدل‌هایی از درآمد که به ازای بزرگسالان و مصرف به ازای بزرگسالان بهره برده بودند، نتایج دقیق‌تری را ایجاد کردند. هم‌چنین متغیرهای مستقل گوناگون نیز در مدل قرار گرفتند که در نهایت با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های یک مدل خوب، متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای نهایی مدل برگزیده شدند. هم‌چنین لازم به ذکر است که شاخصی به عنوان شاخص جایگزین مصرف در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است مجموع هزینه‌های ماهیانه‌ی قبوض آب و برق، گاز و تلفن خانوارهاست.

جدول ۱- اثرات مالی‌هی خرد بر درآمد و مصرف

مصرف به ازای بزرگسالان		درآمد به ازای بزرگسالان		متغیرهای مستقل
ضریب	آماره‌ی t	ضریب	آماره‌ی t	
۰/۴۶ (***)	۲/۶۴	۰/۵۷ (***)	۲/۷۴	دریافت وام
-۰/۷۸ (***)	-۲/۸۹	-۱/۰۲ (***)	-۳/۰۵	لگاریتم سبزی خانواده
۰/۰۵ (***)	۳/۶۵	۰/۰۳ (*)	۱/۸۸	لگاریتم نرخ وابستگی
۰/۶۴ (***)	۲/۵۶	۰/۱	۱/۰۸	لگاریتم متوسط تحصیل افراد در سن کار خانواده
-۰/۱۷	-۰/۲۵	-۰/۰۶	-۰/۱۵	لگاریتم سن سرپرست خانوار
۰/۰۸	۰/۴۷	۰/۰۸	۰/۴۰	لگاریتم تحصیل سرپرست خانوار
۰/۵۰		۰/۴۴		R ^۲
۲/۱۴		۱/۹۶		دوربین واتسون
۷/۲۱ (***)		۵/۰۱ (***)		آماره‌ی F
مدل درآمد		مدل مصرف		نوع آزمون
معیار	معیار	معیار	معیار	
۱/۴۸	۱/۸۳	چارک - پرا	چارک - پرا	آزمون نرمال بودن
۰/۴۰	۱/۵۴	F	F	آزمون واریانس ناهمسانی (وایت)
۰/۴۲	۱/۵۶	Obs*R-squared	Obs*R-squared	
۰/۳۹	۱/۶۵	F	F	آزمون تورش تصریح (رمزی)
۰/۴۸	۱/۸۲	لگاریتم نسبت درست‌نمایی	لگاریتم نسبت درست‌نمایی	

P < ۰/۰۵ (***)

P < ۰/۱۰ (*)

منبع: محاسبات انجام گرفته

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، با توجه به مقدار آماره‌ی F محاسباتی و مقایسه‌ی آن با F جدول، می‌توان اظهار داشت که هر دو مدل در سطح احتمال ۹۹ درصد دارای اعتبار هستند.

آزمون‌های مربوط به نرمال بودن توزیع، خودهمبستگی، واریانس ناهمسانی و تورش و تصریح نشان دهنده‌ی پذیرش فرضیه‌ی صفر (نرمال بودن توزیع، عدم وجود خودهمبستگی، همسانی واریانس و نبود تورش تصریح) در تمامی آزمون‌هاست.

متغیر مجازی در مورد دریافت و عدم دریافت وام (دریافت‌کنندگان وام مقدار یک و آن‌ها که دریافت نکرده‌اند، مقدار صفر دارند) در هر دو طرف درآمد و مصرف دارای علامت مثبت و معنی‌دار است. که این امر نشان می‌دهد که مالیه‌ی خرد اثر مثبتی بر درآمد و مصرف خانوارهای عضو به همراه داشته است. چنان‌چه مشاهده می‌شود، اثر بر درآمد بیش از اثر بر مصرف است که نشان می‌دهد وام‌های اعطایی، در بهبود دادن درآمد بیش از مصرف تمرکز داشته‌اند. یک دلیل برای این موضوع این است که مؤسسه‌ی وام‌دهنده، افراد را به مصرف وام برای تولید تشویق کرده است بیش از آن‌که وام را جهت نیازهای مصرفی خود به کار گیرند و بر این امر نیز نظارت داشته است.

درآمد و مصرف به ازای بزرگسالان برای خانوارهای با سائز بزرگ‌تر کم‌تر بوده است، به طوری که لگاریتم بعد خانوار دارای علامت منفی و معنی‌دار است. علامت منفی مورد انتظار بوده، چرا که انتظار بر آن است خانوارهایی که از تعداد اعضای بیش‌تری برخوردارند، نسبت به خانوارهای کم جمعیت با مشکلات بیش‌تری برای تأمین مالی و نیز هزینه‌های خانوار مواجه و در نتیجه از رفاه کم‌تری برخوردار باشند.

از آن‌جا که نرخ وابستگی به معنای نرخ افراد تحت تکفل بر نیروی کار است، انتظار می‌رود که خانوار با نرخ وابستگی بالاتر، نیروی کار کم‌تر و در نتیجه درآمد و مصرف پایین‌تری داشته باشد، اما برخلاف انتظار مشاهده می‌شود که ضریب برآورد شده برای این متغیر مثبت و معنی‌دار است. یک دلیل برای این امر می‌تواند این باشد که بیش‌تر افرادی که در سنین کار قرار دارند و به عنوان نیروی کار محاسبه می‌شوند، فاقد شغل بوده و بیکار هستند، لذا نه تنها درآمدی کسب نمی‌کنند، بلکه به اقتضای سن خود هزینه بیش‌تری را نیز به خانواده تحمیل می‌کنند.

متغیر متوسط تحصیل افراد در سن کار خانواده به عنوان متغیر نماینده‌ی سرمایه‌ی انسانی اثر مثبت بر درآمد و اثر مثبت و معنی‌دار بر مصرف خانوار داشته است. سهم مثبت تحصیل نیروی کار بیانگر این موضوع است که خانوارهای با تحصیلات بالاتر

ظرفیت و توانایی بیش‌تری برای یادگیری و به‌کارگیری مهارت‌های جدید دارند، که این امر می‌تواند منجر به افزایش درآمد و مصرف می‌شود. معنی‌دار نبودن اثر این متغیر بر درآمد و معنی‌دار بودن تأثیر آن بر مصرف، حاکی از آن است که تمامی افراد در سن کار خانواده فاقد درآمد بوده و سطح تحصیلات آن‌ها تأثیر معنی‌داری بر درآمد نداشته است هرچند با افزایش سطح تحصیلات سطح توقعات و در نتیجه میزان مصرف آن‌ها افزایش یافته است.

دو متغیر دیگر نماینده‌ی سرمایه‌ی انسانی، یعنی تحصیل سرپرست خانوار (منعکس‌کننده‌ی دانش) و سن سرپرست خانوار (منعکس‌کننده تجربه) دارای اثرات مشابه بر درآمد و مصرف بوده و معنی‌دار هم نیستند. اثر سن بر درآمد را از دو منظر می‌توان بررسی کرد، از دیدگاه کارایی و از دیدگاه تجربه.

از آن‌جایی که با افزایش سن، کارایی فرد در به‌کارگیری مهارت‌های جدید کاهش می‌یابد، لذا می‌توان گفت که اثر منفی سن بر درآمد مورد انتظار بوده است. از سوی دیگر از آن‌جایی که با افزایش سن، تجربه‌ی فرد افزایش می‌یابد، اثر منفی غیرقابل توجیه است. در این ارزیابی، اثر سن بر هر دو متغیر، منفی به دست آمده و دیدگاه کارایی را مورد تأیید قرار داده است. در مورد تحصیل سرپرست خانوار هم انتظار بر آن است که هر چه فرد از تحصیلات بالاتری برخوردار باشد، توانایی کسب درآمد بیش‌تر و مصرف بالاتر و مصرف بالاتری داشته باشد و به دنبال آن از رفاه بیش‌تری برخوردار شود، که چنین نیز شده است.

۶- جمع بندی و نتیجه‌گیری

مالیه‌ی خرد به عنوان کوششی برای ارائه‌ی خدمات مالی به فقرا، در دهه‌ی ۱۹۸۰ و در بنگلادش کار خود را آغاز کرد. ابتکارات و نوآوری‌های به‌کار رفته در این ابزار منجر شد که مالیه‌ی خرد به تدریج در سراسر جهان طرفدارانی پیدا کند و مورد تقلید قرار گیرد، لذا امروزه کشورهای مختلفی در جهان از این ابزار برای غلبه بر ناتوانی استراتژی‌های قبلی توسعه در ارائه‌ی خدمات مالی به فقرا، بهره می‌گیرند. مالیه‌ی خرد در کشورهای مختلف که این ابزار را برای خدمت‌رسانی به قشر فقیر خود برگزیده‌اند، با وجود شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی متفاوت، توانسته است اثرات مثبتی بر شاخص‌های گوناگون رفاهی داشته باشد. چنان‌چه مشاهده شد، مطالعات انجام گرفته در این زمینه نیز این اثر مثبت را تأیید می‌کردند.

در این پژوهش نیز اثرات وام صندوق خودکفایی کمیته‌ی امداد بر روی متغیرهای درآمد و مصرف، مورد بررسی قرار گرفت، پس از انجام تحلیل آماری و تخمین مدل با استفاده از الگوی رگرسیونی حداقل مربعات معمولی، نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

با توجه به تحلیل آماری می‌توان گفت که درآمد و نیز هزینه‌ی خانوارهای دریافت‌کننده‌ی وام نسبت به خانوارهایی که از این خدمت استفاده نکرده‌اند، در سطح بالاتری قرار دارد. هم‌چنین مقایسه‌ی درآمد خانوارهای دریافت‌کننده‌ی وام بعد از دریافت و قبل از دریافت نیز در جهت تأیید این امر بوده است، که خدمات مالی خرد ارائه شده توسط این نهاد منجر به افزایش درآمد این خانوارها شده است. از سوی دیگر محاسبات اقتصادسنجی حاکی از آن بود که وام‌های اعطایی توسط صندوق خودکفایی کمیته‌ی امداد بر متغیر درآمد و نیز هزینه‌ی این خانوارها اثر مثبت داشته است، لذا با توجه به نتیجه‌ی به دست آمده از این مطالعه و نیز با توجه به مطالعات گذشته می‌توان گفت مالیه‌ی خرد با ایجاد بسترهای رفاهی موجبات افزایش درآمد و مصرف را فراهم می‌آورد. اما نباید فراموش کرد که هر چند صندوق خودکفایی کمیته‌ی امداد توانسته است موجبات بهبود رفاه برخی خانوارها را فراهم آورد، برخی انتقادات نیز بر عملکرد این نهاد وجود دارد: هر چند هدف صندوق خودکفایی کمیته‌ی امداد ایجاد اشتغال برای خانوارهای کم درآمد است تا بدین وسیله به سطح درآمدی دست یابند که به خودکفایی برسند، و لذا رویکرد برگزیده شده برای این صندوق رویکردی ارتقادهنده، هم‌چون رویکرد مالیه‌ی خرد می‌باشد. اما چون این کمیته یک نهاد دولتی بوده و از ابتدای فعالیت، رویکرد حمایت از فقرا را دنبال کرده است در ارائه‌ی خدمات اعتباری نیز در عمل نتایج رویکرد حمایتی دیده می‌شود، به گونه‌ای که خانوارهای دریافت‌کننده‌ی اعتبار هم‌چنان از مستمری‌بگیران این نهاد و وابسته به کمک‌های مالی و غیر مالی این نهاد هستند. از سوی دیگر عدم استقلال مالی این نهاد و وابستگی به کمک‌های مردمی و دولتی سبب شده است که این نهاد هیچ انگیزه‌ای برای دستیابی به پایداری مالی نداشته باشد و نتایج آن را در نحوه‌ی ارائه‌ی اعتبارات خرد می‌توان دید. عدم وجود پس‌انداز، نرخ بهره و عدم سخت‌گیری در بازپرداخت وام‌ها، همه نشانه‌هایی از عدم نیاز و وابستگی این نهاد به بازگشت وام‌های اعطایی است. عدم وجود نرخ بهره و نیز عدم سخت‌گیری در بازپرداخت سبب شده است که متقاضیان نیز به خود سخت‌گیرند و تلاش چندانی را نیز برای کسب درآمد بالاتر، حداقل جهت یافتن توانایی بازپرداخت، نداشته باشند، زیرا وجود نرخ بهره و نیز سخت‌گیری در بازپرداخت، به

نوبه‌ی خود می‌تواند انگیزه‌ی کسب درآمد بالاتر را در افراد ایجاد کند. از آن جایی که مؤسسات مالی‌هی خرد به دنبال دستیابی به پایداری مالی هستند، از ابتکارات گوناگون نیز در این راستا استفاده کرده‌اند، از جمله‌ی این ابتکارات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تهدید به عدم ارائه‌ی وام مجدد به عنوان تنبیه عدم بازپرداخت، ارائه‌ی وام‌های صعودی به عنوان تشویق بازپرداخت، ارائه‌ی وام‌ها به صورت گروهی، که هم بر مشکل وثیقه فائق آمده و هم بازپرداختی جدی‌تر را به دنبال داشته است و از سوی دیگر سبب افزایش سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی میان افراد شده است. تمامی روش‌های ابتکاری ذکر شده در راستای این امر بوده است که فقرا خود نجات‌دهنده‌ی خود باشند و به حداقلی از استقلال و توانمندی دست پیدا کنند. در حقیقت مؤسسات تأمین مالی خرد با دادن فرصت به فقرا، این هدف را دارند که فقرا خود بهبود دهنده‌ی وضعیتشان باشند، این در حالی است که به علت رویکرد حمایتی کمیته‌ی امداد، تعداد افرادی که به استقلال مالی دست یافته‌اند، محدود است.

پیشنهادها

۱- براساس مبانی نظری مالی‌هی خرد و نیز با توجه به اهداف آن، یکی از رموز موفقیت این نهضت، دادن فرصت به فقراست، بر اساس نگرش مالی‌هی خرد، فقرا خود باید سازنده‌ی زندگی خود باشند. در حقیقت نجات‌دهنده‌ی اصلی آن‌ها از فقر، خودشان هستند، لذا توصیه می‌شود سیاست‌گذاران و نیز دست‌اندرکاران مؤسسات حمایتی و نیز مؤسسات تأمین مالی خرد، در کنار رویکردهای صرف حمایتی، رویکردهای ارتقادهنده نیز به کارگیرند و این رویکردها در عمل نیز پیاده شوند و روش‌هایی را جهت کاهش فقر استفاده کنند که استقلال افراد را افزایش دهد، به طوری که فرد احساس توانمندی کرده و با این باور که خود سازنده زندگی خود است، به تلاش و کار پردازند. در این مسیر بهترین راه پیاده کردن نظام بانک‌داری پیوندی است که بیش‌ترین استقلال را نیز برای فرد به همراه دارد و عزت نفس افراد را نیز افزایش می‌دهد.

۲- از ابتکارات مالی‌هی خرد به کارگیری روشی جدید در وام‌دهی است که با نام وام‌دهی گروهی شناخته شده است، بدون اغراق می‌توان گفت مهم‌ترین علت موفقیت نظام تأمین مالی خرد در جهان استفاده از این روش بوده است. از جمله مزایای این روش می‌توان به این موارد اشاره کرد که استفاده از این شیوه‌ی وام‌دهی علاوه بر رفع مشکل مربوط به وثیقه فقرا، موجبات کاهش هزینه برای سیستم بانکی را نیز فراهم

می‌آورد و از سوی دیگر روابط و اعتماد متقابل میان افراد سبب رشد فعالیت‌های گروهی و ایجاد وفاق می‌شود و سرمایه‌ی اجتماعی و انسانی را نیز میان افراد تقویت می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود در صورت به‌کارگیری سیستم مالی‌هی خرد در کشور، این ابتکار نیز در سیستم گنجانده شود، زیرا با توجه به مزایای این روش استفاده از آن یک تیر با چند نشان زدن است.

۳- دستیابی به پایداری مالی هر چند در بسیاری از مؤسسات مالی‌هی خرد به وقوع نپیوسته است، اما به عنوان یک هدف وجود دارد. عدم وجود این هدف در نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد سبب شده است تا بسیاری از سخت‌گیری‌ها جهت بازپرداخت وام‌ها انجام نپذیرد و نتیجه آن تعویق‌های مکرر در بازپرداخت وام‌های این نهاد باشد، اما باید گفت سخت‌گیری در بازپرداخت، وجود نرخ بهره و پی‌گیری و نظارت بر روند فعالیت افراد، خود می‌تواند انگیزه و محرکی برای کار و تلاش بیش‌تر افراد باشد و جدیت آن‌ها در دستیابی به اهداف بزرگ‌تر را موجب شود، لذا توصیه می‌شود در کنار به‌کارگیری مالی‌هی خرد، از روش‌هایی که بازپرداخت به موقع مشتریان را فراهم می‌آورد نیز استفاده شود، زیرا همان‌طور که گفته شد این مسأله نه تنها سبب جدیت افراد در کسب درآمد می‌شود، بلکه مؤسسه‌ی مالی‌هی خرد هم با اطمینان از بازپرداخت به موقع وام‌ها با مشکلات مالی مواجه نمی‌شود و این ذهنیت نیز که فقرا افراد بانک‌پذیری نبوده و توان بازپرداخت ندارند نیز از بین می‌رود.

۴- در نهایت نیز پیشنهاد می‌شود مطالعاتی در زمینه‌های زیر انجام گیرد:
آیا رابطه‌ای بین فرصت‌های شغلی پایدار با ساختار و کارکرد اعتبارات خرد وجود دارد؟ داشتن برنامه پس‌انداز در کارکرد مالی‌هی خرد چه تأثیری دارد؟ الگوی مناسب مالی‌هی خرد جهت پیاده کردن در ایران چه الگویی است؟

فهرست منابع

- ۱- بانک جهانی (۲۰۰۱)، مبارزه با فقر: گزارش توسعه‌ی انسانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰، ترجمه‌ی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲- سالنامه‌ی آماری کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
- ۳- وضعیت اقتصادی خانوار، پرسش‌نامه‌ی مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶).

۴- متوسلی، محمود و رضا آقابابایی (۱۳۸۷). بررسی ویژگی‌های الگوهای موفق مالی‌های خرد در جهت تعیین عوامل کلیدی موفقیت آن، تهران: مجله‌ی تحقیقات اقتصادی، شماره‌ی ۸۳.

- 5- Badru, P. (1998), "International Banking and Rural Development: The World Bank in Sub-Saharan Africa". (Aldershot: Ashgate).
- 6- Brandsma, Judith, and Rafika Chaouli, (1998), "Making Microfinance Work in the Middle East and North Africa". Private and Financial Sector Development Group, Human Development Group, Middle East and North Africa Region, Washington D.C: World Bank Report 23076.
- 7- Cheston, Susy and Lisa Kuhn, (2002). "Empowering Women Through Microfinance". IN Sam Daley-Harris, Ed. Microcredit Summit Campaign. Pathways Out of Poverty. Kumarian: Bloomfield, CT.
- 8- Coelli, Tim, Hong Son Nghiem and Prasada Rao. (2007). "The Welfare Effects of Microfinance in Vietnam: Empirical Results from a Quasi-Experiment Survey". Center for Efficiency and Productivity Analysis School of Economics The University of Queensland QLD 4072 Australia.
- 9- De Aghion, B. A. et al. (2002), "Poverty Reducing Credit Policies", Center for International Development (CID), Harvard University, Cambridge, USA.
- 10- Helms, Brigit, (2006), "Access for All, Building Inclusive Financial Systems", The World Bank, Washington DC.
- 11- Hulme David & Paul Mosley (1996). "Finance against Poverty". Vol. 1 Routledge, London.
- 12- <http://www.microfinancegateway.org>
- 13- Khandker, Shahidur. (2003). "Micro-Finance and Poverty Evidence Using Panel Data from Bangladesh". Policy Research Working Paper 2945. The World Bank Development Research Group.
- 14- Johnson, S. and Rogaly, B. (1997), "Microfinance and Poverty Reduction". (Oxford: Oxfam).
- 15- Ledgerwood, J. (1999). "Microfinance Handbook, Sustainable Banking with the Poor. Institutional and Financial Perspectives". Published in USA, World Bank (IBRD).
- 16- Matovu, Dan (2006), "Microfinance and Poverty Alleviation Uganda -a case study of Uganda finance trust". School of Global Studies Master Thesis Africa and International Development Cooperation.
- 17- Mknelly, Barbara and Christopher Dunford, (1998). "Impact of Credit with Education on Mothers and Their Young Children's Nutrition: Lower Pra Rural Bank Credit with Education Program in Ghana". Freedom from Hunger Research Paper No. 4. Freedom from Hunger: Davis, CA.
- 18- Morduch, J. (1999), "The Microfinance Promise", Journal of Economic Literature, Vol. 37, P. 1569-1614.

- 19- Morduch, Jonathon, and Barbara Haley, (2002). "Analysis of the Effects of Microfinance on Poverty Reduction". NYU Wagner Working Paper No. 1014. working Papers/wp1014.pdf.
- 20- Mosley, Paul. (1999). "Microfinance and poverty: Bolivia case study". University of Reading, Reading RG6. 6AA, England.
- 21- Pitt, M.M., and Khandker, S. R., 1996, "Household and Intrahousehold Impact of the Grameen Bank and Similar Targeted Credit Programs in Bangladesh" WorldBank Discussion Papers 320, The World Bank, Washington DC.
- 22- Pitt, M.M., Khandker, S.R., Mckernan, S.M., & Latif, M.A, 1999, "Credit Programs for The Poor and Reproductive Behavior in Low-Income Countries: Are the Reported Causal Relationships the Result of Heterogeneity Bias? " Demography 36 (1): 1-21.
- 23- Pitt, Mark M., and Shahidur R. Khandker, 1998, "The Impact of Group-Based Credit Programs on Poor Households in Bangladesh: Does the Gender of Participants Matter?". Journal of Political Economy, 106 (5): 958-996.
- 24- Sengsourivong, Kongpasa. (2006). "The Impact of Microfinance on Household Welfare: Case Study of a Savings Group in Lao PDR". Master Thesis. Department of Regional Cooperation Policy Studies Graduate School of International Cooperation Studies Kobe University.
- 25- Simanowitz, Anton and Alice Walter. (2002). "Ensuring Impact: Reaching the Poorest while Building Financially Self-Sufficient Institutions and Showing Improvement in the Lives of the Poorest Women and Their Families". IN Sam Daley-Harris, Ed. Microcredit Summit Campaign. Pathways Out of Poverty. Kumarian: Bloomfield, CT.
- 26- Swope, Tessie (2005), "Microfinance and Poverty Alleviation", Partial Fulfillment of the Requirements Of The 2005 Independent Study On Microfinance.
- 27- World Bank (2003), The World Bank Annual Report 2003.
- 28- Zeller, M., (2001), "Promoting Institutional Innovation in Microfinance", Development and Cooperation, No. 1, 2001, pp: 9-11.